



۲۰۱۷/۰۱/۱۳

مسعود فارانی

نگاه اجمالی به تاریخ نگاری استاد کاظم

کار های جناب داکتر صاحب سید عبدالله کاظم را در بخش تاریخ تعقیب میکنم، تاریخنگاری ایشان بر موازین علمی تاریخ نویسی استوار است.

از نوشته های ایشان، خواننده درمی یابد که موصوف جز نیت برجسته کردن حقایق آنهم به نفع جامعه به چیز دیگر توجه ندارد. استاد کاظم درین راه با تلاش نستوهانه تمام جوانب موضوع را با مقایسه اسناد (چه منفی و مثبت) از نظر میگذراند و به چیزی تکیه میکند که ارزش واقعی تاریخی را دارا باشد. از آثار ایشان بوضاحت درک میشود که تثبیت حقایق، آنهم بر حسب "علت و معلول حوادث" منجر به شناخت صحیح تاریخی می گردد.



نتیجه این زحمات با ارزش که از خوان گسترده نوشته های داکتر صاحب دریافت می شود برای خواننده آگاه ارزش گوهر را دارد. گوهری که وضاحت تاریخی اش کمتر روشن شده باشد.

این شیوه کار ایشان را در بخش تاریخ نگاری، شیوه عالی حساب شده علمی به معیار

جوامع پیشرفته همطراز میدانم. بطور مثال با ارزیابی اجمالی از تاریخ نگاری مدرن چنین در می یابیم که :

تاریخ نویسی از گذشته ها تا به حال به دوشکل موازی کنار هم در حرکت اند. اولی به شیوه "ماکس وبر" است که متکی بر برداشت های "تجربی فکری عقلی" کارش را بنا میگذارد بناً در انتخاب اسناد دقت لازم را مؤرخ به خرچ می دهد تا صحت و سقم موضوع را معتبر عیان و بیان کند و از لغزش ها در امان بماند زیرا نزد پیروان این شیوه، شناخت و تفکیک اسناد مهم تر از موجودیت اسناد وافر بی کیفیت است. مورخین این شیوه در افغانستان، کار خود را به تاسی از بیهقی بزرگ، استادانه سامان میدهند. استاد داکتر سید عبدالله کاظم بدون شک در تاریخ نویسی معاصر یکی از آنهاست.

شیوه دومی که **مطلق** تکیه بر اسناد دارند، تاریخنگاری آنها بدبختانه جوابگوی نیازات اصلی تاریخی جامعه شده نمی تواند. چرا؟ بخاطریکه بعضی از اسناد موجود و بخصوص اعتبار یافته به آن می مانند، که در بخش زبان مثل لغات غلط مشهور شده جای لغات صحیح نامشهور را گرفته باشند، اسناد غلط مشهور نیز جای اسناد صحیح نامشهور را اشغال کرده اند. ازینرو کار مورخین شیوه دوم (مطلق تکیه بر اسناد) چشم شناخت جامعه را تضعیف کرده حقایق تاریخی بیشتر پوشیده می ماند. به همین خاطر است که تاریخ نویسی سالم فارغ از بغض و حُب با مطالعات وسیع و همه جانبه ایجاب میکند تا تاریخ دوباره باز نویسی گردد. یعنی با تصحیح در باز نویسی تاریخ، تاریخ جان دوباره میگیرد و حقانیت دستیاب جامعه میگردد.

اگر دقت شناخت، بر اسناد نشود و بدون ارزیابی اسناد را درج اثر تاریخی نمایند، آن آثار تاریخی نمیتوانند مدار اعتبار در دراز مدت قرار گیرند. چون اسناد انتخابی اگر برویت دقیقه های اصیل تاریخ نگاری انتخاب نشوند و تداخل سلیقه های شخصی در آن آزاد گذاشته شود به یقین چنین اثر از حقیقت بدور بوده بجای که اعتبار تاریخی علمی داشته باشد، برعکس سبب ضعف اعتبار و تاریخ میگردد.

مورخین متکی به اسناد (جمع تداخل سلیقه ها) هرگاه سند را ارزیابی و انتخاب می کنند لاجرم آنچه که به ذوق و علاقه و سلیقه آنها برابر نباشد از ذکر و درج آن صرف نظر مینمایند. به این سبب نتایج کار آنها مطلوب قرار نمی گیرد. این دسته از مورخین را در علم تاریخ نگاری مدرن **مورخین سند زدگی می شناسند.**

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

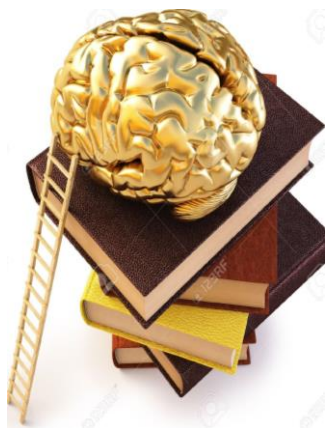
اما کسانی که در تاریخ نویسی میخوانند ذهن جامعه را حقیقتاً روشن سازند با پذیرش مسئولیت، جوانب **تجربی** **تفکر عقلی** را در کار خود به دقت مراعات می نمایند. به این لحاظ آثار تدوین شده آنها از جانب بخش آگاهان جامعه قابل پذیرش قرار می گیرد.

بسیاری تاریخ را بخاطر پدیده اجتماعی بودنش از ردیف علم خارج میکنند، زیرا معتقد اند که پدیده های اجتماعی مثل دقیقه های علمی در همه جا نتیجه یکسان ندارند. اما این جمعیت، فراموش میکنند که تاریخ بنابه توجه به علوم "دقیقه" میتواند اعتبار خود را تضمین کند. یعنی موشگافی **علت و معلول حوادث** خودش نشانه علمیت تاریخ محسوب میشود. بناً تاریخ با این دقیقه کاری هاست که در عرصه علم قرار می گیرد.

نزدیکی و قرین بودن بین **علت و معلول**، برویت استدلال و اسناد منطقی، موضوع را وضاحت بخشیده تاریخ را اعتبار میدهد.

علت و معلول دو رکن اساسی تاریخ نگاری علمی را رقم می زند. پس اعتبار علمی را زمانی تاریخ کسب کرده میتواند که بر موازین فوق یاد شده عیار شده باشند آنگاه بی شبهه به جرگه علوم می پیوندد. اگر چنین نباشد تاریخ نوشته شده مؤرخ بجای کسب اعتبار، دوام تاریخی نخواهد یافت.

با نظر داشت نکات یادشده کارتاریخی در خور اهمیت و اعتبار بلند استاد سید عبدالله کاظم که به شیوه "ماکس وبر" متکی بر برداشت های "**تجربی فکری عقلی**" استوار است، قابل تمجید و تحسین بسیار بوده احاد آگاه جامعه چه در حال و چه در آینده از زحمات ایشان ممنون و مشکور خواهند بود. با اینکه صلاحیت ندارم مگر اظهار میدارم که جناب داکتر صاحب سید عبدالله کاظم برای من ابوالفضل بیهقی ثانی معاصر است. عمر طویل برایشان آرزومندم.



د پانو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ